

هزارتوی قانون اساسی

دکتر محسن خلیلی

استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

www.ketab.ir



سرشناسه : خلیلی، محسن، ۱۳۴۶-
 عنوان قراردادی : ایران. قانون اساسی (جمهوری اسلامی)
 عنوان و نام پدیدآور : هزار توی قانون اساسی / محسن خلیلی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۸۱۲ ص.
 شابک : 978-622-212-183-9
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس:
 موضوع : قانون اساسی -- ایران
 موضوع : Constitutions -- Iran
 موضوع : حقوق اساسی -- ایران
 موضوع : Constitutional law -- Iran
 رده‌بندی کنگره : KMH ۲۰۷۰:
 رده‌بندی دیویی : ۳۴۲/۵۵۰۲۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۴۲۵۵۷۹

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۱۳۷۵

نشر میزان

هزار توی قانون اساسی

دکتر محسن خلیلی

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹-۱۸۳-۲۱۲-۶۲۲-۹۷۸

نشر میزان: خیابان سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر، پلاک ۶۲

تلفن دفتر مرکزی: ۸۸۵۴۹۱۳۱ - ۸۸۵۴۴۱۲۴ تلفن مرکز پخش و فروش: ۸۸۳۴۹۵۲۹ - ۸۸۳۴۹۵۳۰

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

کانال تلگرام: t.me/nashremizan

اینستاگرام: nashremizan

فهرست مطالب

۱۳	چرا هزار تو؟.....
۱۵	دیباچه.....
۱۹	پیشگفتار.....
۲۵	بازنگری قانون اساسی (مشروطیت و جمهوری اسلامی).....
۲۸	مقام پیشنهادکننده و آغازگر بازنگری در قانون اساسی.....
۲۸	اعضا و ترکیب بازنگرندگان در قانون اساسی.....
۲۹	محدودیت‌های بازنگری در قانون اساسی.....
۳۰	تصویب نهایی بازنگری در قانون اساسی.....
۳۰	بازنگری در قانون اساسی مشروطیت.....
۳۱	بی‌بهرگی قانون اساسی از شیوه تجدید نظر.....
۳۲	متمم قانون اساسی مشروطیت به منزله نخستین بازنگری.....
۳۵	فتح تهران و تغییر قانون انتخابات به منزله دومین بازنگری.....
۴۰	انتقال سلطنت به منزله سومین بازنگری.....
۴۲	تبدیل پادشاه ناخشنود به پادشاه اقتدارگرا به منزله چهارمین بازنگری.....
۴۵	تتمیم و تکمیل اقتدارات پادشاهی به منزله پنجمین بازنگری.....
۴۶	در آرزوی پیوستگی و تداوم سلطنت به منزله ششمین بازنگری.....
۴۷	بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی.....
۴۷	بی‌بهرگی قانون اساسی جمهوری اسلامی از شیوه تجدید نظر.....
۴۹	تغییر نام مجلس شورا از ملی به اسلامی به منزله نخستین بازنگری.....
۵۰	بحث ضرورت افزایش اختیارات مجلس شورای اسلامی به منزله دومین بازنگری.....
۵۱	بحث مصلحت و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به منزله سومین بازنگری.....
۵۲	بازنگری همه‌جانبه قانون اساسی به منزله چهارمین بازنگری.....
۵۶	بررسی مقایسه‌ای.....
۶۵	تفسیر قانون اساسی (مشروطیت و جمهوری اسلامی).....
۶۷	مسئله تفسیر در قانون اساسی مشروطیت.....

۷۱	 مسئله تفسیر قانون عادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۷۶	 مسئله تفسیر قانون اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۸۱	 شالوده‌شکنی اصل چهل و چهار قانون اساسی
۸۴	 شالوده‌شکنی
۸۵	 زمینه تاریخی متن قانون اساسی
۹۵	 رمزگشایی متن اصل چهل و چهارم
۹۸	 نگاهی دوباره به اصل چهل و چهار
۱۰۷	 قومیت در نگرش خبرگان قانون اساسی
۱۰۹	 کلیات نظری
۱۱۱	 قومیت‌ها در ایران
۱۱۳	 فضای تدوین قانون اساسی
۱۱۶	 توضیح روش شناختی
۱۲۵	 مقایسه چهار عامل در بررسی خصوصیات خبرگان قانون اساسی
۱۴۷	 امتناع یا امکان مردم‌سالاری دینی
۱۵۰	 دموکراسی و دین و دموکراسی
۱۶۱	 نقد نظری مردم‌سالاری دینی
۱۶۷	 نقد عملی مردم‌سالاری دینی
۱۷۳	 بازنگری قانون اساسی (مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸)
۱۷۶	 مجلس خبرگان قانون اساسی و مسئله بازنگری
۱۸۱	 مقام پیشنهادکننده و آغازگر تشخیص ضرورت بازنگری در قانون اساسی
۱۸۶	 ترکیب و اعضای شورای بازنگری قانون اساسی
۱۹۰	 محدودیت‌های بازنگری در قانون اساسی
۱۹۳	 تصویب نهایی بازنگری قانون اساسی
۱۹۵	 تشخیص ضرورت بازنگری
۱۹۶	 ترکیب و اعضای شورای بازنگری
۱۹۶	 محدودیت‌های بازنگری
۱۹۷	 تصویب نهایی بازنگری

۱۹۹	قانون اساسی و دشواره توسعه
۲۱۳	زن در نگرش خبرگان قانون اساسی
۲۲۴	زنان در ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب
۲۲۸	فضای تدوین قانون اساسی
۲۲۹	زن در قانون اساسی
۲۳۴	خبرگان قانون اساسی و زنان
۲۴۷	تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۴۹	معنا و کارویژه تاریخ شفاهی
۲۵۲	گوناگونی سخن‌ها در خبرگان قانون اساسی
۲۶۵	کژتابی اصل ۹۹ قانون اساسی
۲۶۸	پیشینه پژوهش
۲۷۳	نظارت استصوابی
۲۷۶	حذف به قرینه در دستور زبان فارسی
۲۷۸	تحلیل یافته‌ها
۲۸۵	پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی در دهگام امام خمینی
۲۸۷	گام‌های آغازین در طرد سلطنت و قانون اساسی مشروطیت
۲۹۱	عنوان‌یابی برای مجلس تدوین‌کننده قانون اساسی جدید
۲۹۷	مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جدید به‌عنوان مجلس تدوین‌گر
۳۰۱	گنجانیدن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳۰۳	همه‌پرسی تصویب قانون اساسی و مسئله متمم و اصلاح آن
۳۰۹	بازنمایی اصل چهل و چهار قانون اساسی
۳۲۳	آزادی در نگرش خبرگان قانون اساسی
۳۲۳	بنیان نظری و روش شناختی
۳۲۹	مبانی زمینه‌ساز
۳۳۱	آزادی از یا آزادی واکنشی یا رهایی از بردگی و بندگی
۳۳۲	آزادی برای یا آزادی کنشی یا هدف از خلقت و چرایی آزاد بودن
۳۴۹	بازنگری قانون اساسی ایران و تحول اقتدار سیاسی

۳۵۵	روند تاریخی
۳۵۶	درون‌مایه بازنگری
۳۵۸	ریشه‌ها و بایستگی‌های بازنگری
۳۵۸	تحول در کیفیت اقتدار سیاسی: ایران بدون امام خمینی
۳۶۷	بایستگی تاریخ‌دانی در شناخت پیدایش قانون اساسی
۳۶۸	ماهیت میان‌رشتگی قانون اساسی
۳۷۲	بستر تاریخی تدوین متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳۷۷	نظارت استصوابی موضوع اصل نودونهم قانون اساسی
۳۷۹	تک‌اقتادگی واژه رهبری در حکم بازنگری قانون اساسی
۳۸۰	پیدایش واژه دوپهلوی رجال در اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی
۳۸۲	پیدایش سه‌گانگی اقتصادی در اصل چهل و سوم قانون اساسی
۳۸۳	زایش و پیدایش اصل ولایت‌فقه در قانون اساسی انقلابی نوپدید
۳۸۷	ابزارهای جامعه مدنی در قانون اساسی
۳۹۷	مطبوعات در نگرش خبرگان قانون اساسی
۳۹۸	اصل سوم
۳۹۹	اصل پانزدهم
۴۰۰	اصل بیست و چهارم
۴۰۴	اصل یکصد و شصت و هشتم
۴۰۹	فراستی مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴۱۵	اصول، آرمان‌ها و اهداف کلی و خط‌مشی‌های عمومی در مذاکرات خبرگان قانون اساسی
۴۱۸	سیاست‌های کلی نظام در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی
۴۲۲	گزینه مختار
۴۲۷	بسط تعریف سیاست‌های کلی و ویژگی این سیاست‌ها
۴۴۵	جامعه مدنی و جمهوریت
۴۴۶	جمهوریت و جمهوری‌گرایی
۴۴۷	استبداد و استبدادگرایی
۴۴۸	جامعه توده‌ای

.....	۴۴۹	جامعه مدنی
.....	۴۵۵	حقوق شهروندی در نگرش خبرگان قانون اساسی
.....	۴۵۸	اصل نوزدهم
.....	۴۵۹	اصل بیستم
.....	۴۶۰	اصل بیست و دوم
.....	۴۶۱	اصل بیست و سوم
.....	۴۶۱	اصل سی و دوم
.....	۴۶۳	اصل سی و چهارم
.....	۴۶۳	اصل سی و هفتم
.....	۴۶۷	بررسی انتقادی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام
.....	۴۷۰	برخی پرسش‌ها در باب سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن
.....	۴۷۱	نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام
.....	۴۷۲	نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در شورای بازنگری قانون اساسی
.....	۴۷۸	مقدمه‌ای بر تئوری نظارت از جمله علم مدیریت
.....	۴۸۴	نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: امکان یا امتناع؟
.....	۴۸۷	آزادی سازمان‌پوندی و گروه‌بندی
.....	۴۹۱	درآمدی نظری به بحث آزادی احزاب
.....	۴۹۵	نگاه قانون اساسی به آزادی گروه‌ها
.....	۵۰۰	نگاه قانون عادی به آزادی سازمان‌ها
.....	۵۰۹	جهانی‌شدگی حاکمیت ملی
.....	۵۱۰	انقلاب جهانی ارتباطات و اطلاعات
.....	۵۱۱	حاکمیت ملی دولت‌ها
.....	۵۲۷	خط قرمز محدودسازی آزادی
.....	۵۴۵	آمیزه مصلحت جمعی و فردی در قانون اساسی
.....	۵۵۷	کارویژه بنیادین قانون اساسی
.....	۵۶۴	وفاق میثاقی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
.....	۵۶۵	وفاق ارزشی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دیباچه

مهرماه ۱۳۶۹، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی بودم. نزد استاد عالی قدر، جناب آقای دکتر حسین بشیریه، شتافتم. به ایشان گفتم که می‌خواهم پایان‌نامه را با راهنمایی جناب عالی بگذرانم. در دوره کارشناسی، دانشجوی ایشان بودم. می‌شناختمند مرا. فرمودند: چه موضوعی و چه عنوانی؟ گفتم درباره شوروی و تجدیدنظرطلبی در مارکسیسم است، و می‌خواهم خروشچف و گورباچف را مقایسه کنم. عنوان دقیق پایان‌نامه را هم گفتم (یادم نرفته است هنوز؛ خاطره بسیار خوشی است). بررسی همانندی‌ها و ناهمانندی‌های تجدیدنظرطلبی سیاسی در مارکسیسم: مقایسه خروشچف و گورباچف.

به شوروی علاقه فراوان داشتم؛ از آهنگ پرطمطراق نام‌های روسی خوشم می‌آمد. شاید هم می‌خواستم حافظه‌ام را به رخ بکشانم و فخر فروشی کنم. به هر حال، نمی‌دانم چرا! ولی، یادم نمی‌رود که در کلاس اول دبیرستان، آموزگار جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی‌مان (که بسیار دوستش می‌داشتم: آقای عمو) از دانش‌آموزان (یادم نیست به چه دلیل) پرسیدند که نخستین زن فضانورد که بوده است. بدون درنگ گفتم والتینا ولادیمیروونا ترشکوا. هم آموزگار و هم همکلاسی‌ها، نگاهی شگفت‌زده به من کردند که خب! یعنی چی؟ که چی بشه؟ هنگام یادکردن از بازیکنان تیم ملی فوتبال شوروی هم عادت کرده بودم که خودنمایانه و مغرورانه بگویم اولگ ولادیمیروویچ بلوخین یا رینات فیض‌رحمانوویچ داسایف. در سر کلاس درس تاریخ ایران و جهان دوره دبیرستان (به آموزگاری استادانه آقای احمد فاضل در دبیرستان علامه طباطبائی نجف‌آباد) نیز به‌هنگام نام‌بردن از لنین و استالین، خوش داشتم که بگویم ولادیمیر ایلچ اولیانوف مشهور به لنین و یا یوزف ویساریونوویچ جوگاشویلی مشهور به استالین. البته، غرور نوجوانانه، یار شیطنتها و بازیگوشی‌های خودبرتربینانه خام‌دستانه‌ام نیز بود؛ در میان همکلاسی‌هایی که نمی‌دانستند تولستوی و داستایوفسکی و چخوف و گوگول و شولوخوف و شورکی، کیستند، من، برخی از نوشته‌های آنان را هم خوانده بودم.

بخت و اقبال فراوان هم یارم شد؛ در دوره کارشناسی علوم سیاسی، درس سیاست و حکومت در شوروی را با استاد فرهیخته یگانه، دانشمند مارکسیسم‌شناس، جناب آقای دکتر عباس میلانی، برداشتم و در سر کلاس درس حاضر شدم، در حالی که ۱۸ ساله بودم و دانشجوی ترم دو و استاد عالی‌قدر، با انداز و هشدار که این درس سخت است و شاید نتوانی بگذرانی، رخصت و فرصت دادند که بر سر کلاس بنشینم و گوش کنم. در کل جلسه‌های درس حضور داشتم و بسیاریار، یاد گرفتم. یاد نمی‌رود که در سر یکی از جلسه‌های کلاس درس، استاد گرامی، یک لحظه اسم و فامیل نویسنده کتاب سیمای زنده‌بکوران، از یادشان رفت و من بدون درنگ گفتم آناتولی تیخونوویچ مارچنکو. جناب استاد، دکتر میلانی، نیم‌نگاهی کردند شگفت‌آمیز و سپس رو به دانشجویان دیگر (که سن‌وسالی داشتند و برخی، از دوره انقلاب فرهنگی مانده بودند) طلب‌کارانه نگاه کردند که چرا شما نگفتید و این کم‌سن‌وسال کلاس گفت. پس، شوروی، در خونم جریان داشت!!! اما، بخوانید ادامه داستانک مرا با استاد دوست‌داشتنی‌ام دکتر بشیریه:

استاد فرمودند موضوع و عنوان خوبی است و قبول. برو و آغاز کن. به‌قدری خوش‌حال شدم که حدواندازه نداشت. دکتر بشیریه فرمودند که نخست منبع‌شناسی کن و سه هفته دیگر بیا تا ببینم می‌شود کاری کرد یا نه. سه چهار روز بعد با کلی کاغذ که یادداشت منابع مربوط به موضوع پژوهش بود نزد ایشان شتافتم. باورشان نمی‌شد که در سه چهار روز بشود این همه منبع، درباره موضوع، شناسایی کرد. علاقه‌ام به شوروی (و به‌ویژه به نیکیتا سرگیوویچ! خروشچف و میخائیل سرگیوویچ! گورباچف) کار خودش را کرده بود؛ کارل هاینریش! مارکس هم که در این میانه، کنارزدنی نبود. استاد دیدند که دانشجوی سمجی هستم؛ نکته‌ای فرمودند که مسیر زندگی مرا، تغییر داد. امروز، می‌فهمم: آن‌زمان، نفهمیدم که هیچ ناراحت و دلگیر هم شدم. فرمودند که زبان روسی بلدی. گفتم نه. فرمودند بیست سال هم وقت بگذاری، مانند کسی نخواهی شد که بر زبان روسی چیره است و منابع فراوان روسی و انگلیسی را به‌آسانی، می‌خواند. دوسه قالب یخ، همزمان بر سرم زدند انگار. درجا، یخ زدم و خشک شدم و نمی‌دانستم چه کاری بایست انجام دهم. دست‌پاچه شده بودم شدید. افسرده‌حال گفتم: آقای دکتر! پس، روی چه موضوعی کار کنم؟ لحظه‌هایی چند، اندیشیدند و فرمودند تو که به موضوعات مربوط به ایران علاقه داری. سال پیش (یعنی ۱۳۶۸) هم که قانون اساسی جمهوری اسلامی، بازنگری شده است؛ بیا و درباره ریشه‌های سیاسی و حقوقی چگونگی و جرایبی بازنگری قانون اساسی ایران کار کن. روزنه‌ای باز شده بود. دست‌وپایم را جمع کردم و گفتم چشم! و اضافه کردم که ولی استاد، در این زمینه، منبع بسیاریار کم است (و، قابل مقایسه نیست با دست‌آمد کوشش سه چهارروزه‌ام در باب یادداشت منابع مربوط به خروشچف و

گورباچف که به بیش از ۴۰۰ عدد رسیده است). فرمودند: دگمه‌ای داده‌ام دست! برو، کت و شلواری بدان بدوز و برگرد. همین هم شد؛ نشان به آن نشان که در پژوهش ارائه به استاد درس حقوق اساسی تطبیقی استاد عالی قدر پی‌نظیر، روان‌شاد دکتر ابوالفضل قاضی، موضوع بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های بازنگری در قوانین اساسی کشورهای دنیا را گزینش کردم و انجام دادم که بعدها شد فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پایان‌نامه را با عنوان بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن، در اسفند ۱۳۷۲ دفاع کردم و نمره ۲۰ آن را، درجا، به تیزبینی و آینده‌نگری استاد، دکتر بشیریه، پیشکش نمودم.

دیگر شده بودم یک‌پا حقوق اساسی خوان و حقوق اساسی نویس؛ بسیار خوب شد که به حرف استادم گوش کردم؛ چون که، شوروی، خیالی بیش نبود و فرو ریخت و رفت پی کارش! اما، قانون اساسی جمهوری اسلامی، هنوز نه!

چهل سال است که سرخوشانه و علاقه‌مندانه، حقوق اساسی و قانون اساسی و حقوق اساسی مقایسه‌ای می‌خوانم. ولی، نمی‌دانم که چهل آن: حکایت اعتکاف موسی است در کوه (ولی، الواح هفت‌گانه را دریافت نمود)؛ یا که:

حکایت کفران نعمت و گوساله‌پرستی قوم بنی‌اسرائیل است (که نتیجه‌اش، محکومیت به چهل سال سرگردانی بود).